روزنامه شرق

دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵
۱۷ شوال ۱۴۴۷
۶ آوریل ۲۰۲۶
سال بیست‌و دوم
شماره ۵۳۵۳
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

گزارشی از آسیب به ده‌ها بنای تاریخی در پایتخت

تهران زیر آوار حافظه

۷

سرمقاله

بازبینی مؤلفه‌های امنیت و بازدارندگی

حمزه نوذری
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

در جهان امروز، حقوق بین‌الملل نمی‌تواند امنیت کشورها به‌ویژه آنهایی را که قدرت کمتری دارند، تضمین کند. نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نیز در ایجاد امنیت و دفاع از کشور مورد تهاجم قرارگرفته، به‌ویژه اگر تهاجم از طرف کشورهای قدرتمند باشد، ناتوان هستند. تهاجم به ایران نشان داد امنیت هر کشور تا حدی به نقش، جایگاه و میزان اثرگذاری بر بازارهای جهانی بستگی دارد. تأثیر بر بازارهای بین‌المللی دو نوع است: الف. نقشی که یک کشور در تأمین و عرضه کالاها در مبادلات و معاملات جهانی دارد، به‌گونه‌ای که به راحتی قابل جایگزین نباشد. ب. میزان اثری که بر بازارهای بین‌المللی دارد. بنابراین جایگاه و اثرگذاری در بازارهاست که می‌تواند تا حدی از تهاجم و تجاوز سایر کشورها جلوگیری کند یا اگر مورد تهاجم قرار گیرد، سایر کشورها به جهت هزینه‌های اقتصادی آن بر اقتصادشان، انگیزه لازم برای پادرمیانی و توقف جنگ را داشته باشند. بر این اساس، اگر کشوری نتواند بر بازارهای جهانی اثر بگذارد، نظام و حقوق بین‌الملل برای امنیتش کافی نیست و دیگر کشورهای قدرتمند هم چندان اقدامی عملی، حداقل در کوتاه‌مدت، انجام نخواهند داد.

اثرگذاری بر بازارهای جهانی فقط به معنای ایجاد منفعت برای کشورهای دیگر نیست، بلکه به امنیت انرژی، غذایی و... مرتبط است. مهم‌ترین بازارها، بازار انرژی و غذاست. تجربه تهاجم به کشورمان نشان داد که کشورها باید بتوانند بر بازارهای جهانی اثر بگذارند که امکان جایگزین برای این تأثیر کم باشد. اثرگذاری ایران بر بازارها به‌ویژه بازار انرژی، به جهت هم‌زمانی دو ویژگی موقعیت جغرافیایی (تنگه هرمز که گذرگاه مهم انرژی است) و توان موشکی و پهپادی است که در فقدان این دو خصوصیت مشخص نبود چه بر سر کشور می‌آمد. ونزوئلا کشوری است که در بازار انرژی تأثیرگذار است اما توان دفاعی ندارد، برعکس کره شمالی کشوری است که دارای تسلیحات نظامی پیشرفته‌ای است اما فاقد جایگاه و نقش در بازاهای جهانی است. ایران مثل هیچ‌کدام از این دو نیست. پس تا اینجا مشخص شد که امنیت و بازدارندگی کشورها به دو عامل بستگی دارد؛ میزان اثرگذاری بر بازارهای جهانی و قدرت دفاعی. بااین‌حال، علاوه بر داشتن تجهیزات و قدرت دفاعی، عامل دیگری هم مهم است و آن قدرت به‌کارگیری تجهیزات و تسلیحات دفاعی است. کشورهایی هستند که تسلیحات پیشرفته زیادی دارند اما قدرت به‌کارگیری آن را بدون صدور مجوز از طرف کشور صادرکننده تسلیحات ندارند.

علاوه بر این دو عامل امنیت و بازدارندگی یعنی توان اثرگذاری بر بازارهای جهانی و قدرت به‌کارگیری تسلیحات و تجهیزات نظامی باید از یک عامل اجتماعی هم نام برد و آن، میزان همبستگی اجتماعی در کشور است. همبستگی اجتماعی عامل مهمی برای امنیت و بازدارندگی در نظام جهانی است که کمتر مورد توجه بوده است. کشورهایی که شکاف‌ها و گسل‌های اجتماعی زیادی دارند، بیشتر در معرض تهاجم و حمله از طرف دشمن خارجی هستند. هرچه همبستگی اجتماعی بیشتر باشد، شرایط سخت‌تری برای حمله خارجی به کشور را رقم می‌زند. هرچند در کشوری که در معرض جنگ و تهاجم قرار می‌گیرد، اغلب همبستگی اجتماعی بیشتر می‌شود، اما بازدارندگی همبستگی اجتماعی در مقابل حمله و تهاجم خارجی باید در ارتباط با دو عامل دیگر در نظر گرفته شود. خلاصه اینکه برای ایجاد امنیت و بازدارندگی دیگر به حقوق و سازمان‌های بین‌المللی اعتمادی نیست و به سه عاملی که گفته شد، ارتباط زیادی دارد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

در «شرق» امروز می‌خوانید: مهاجرانی: تاکنون به ۳۲۲ مرکز درمانی و ۷۶۳ مدرسه حمله نظامی شده است • رجایی: پاسخ یک نظر باید با نظر داده شود، نه با توهین و حمله • نام‌هایی که بر سر یک میدان می‌چرخند

گزارش «شرق» از تعدیل و بیکاری خبرنگاران و تعطیلی برخی از رسانه‌ها در سال جدید

سال بیکاری روزنامه‌نگاران

گزارش تیتر یک را در صفحه ۵ بخوانید

عملیات نجات هالیوودی ترامپ به بازسازی یک شکست تاریخی انجامید

فاجعه نیم میلیارد دلاری

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

اروپا در برابر جنگ علیه ایران؛ فاصله‌گذاری از آمریکا با محاسبه اقتصادی

حسن ارگی
رایزن بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در مجارستان

جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، برای اروپا فقط یک بحران سیاسی در خاورمیانه نیست؛ این جنگ مستقیم به قیمت انرژی، هزینه بیمه، امنیت کشتیرانی، ثبات زنجیره تأمین، نرخ تورم و رشد اقتصادی قاره اروپا گره خورده است. به همین دلیل، بخش مهمی از اروپا، برخلاف برخی تجربه‌های گذشته، حاضر نشده است بدون محاسبه در مسیر جنگی واشنگتن حرکت کند. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا رسما خواستار خروج از جنگ و حرکت به سمت راه‌حل سیاسی شده و هم‌زمان هشدار داده که منافع اروپا مستقیم در معرض آسیب قرار گرفته است. شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا نیز بازگشایی مسیرهای انرژی، غذا و حمل‌ونقل از تنگه هرمز را «اولویتی فوری» توصیف کرده است. از نگاه نگارنده به‌عنوان رایزن بازرگانی مستقر در اروپا، این نکته بسیار مهم است که اروپا از سر همدلی با ایران از آمریکا فاصله نگرفته، بلکه از سر محاسبه منافع خود چنین کرده است. تجربه جنگ عراق هنوز در حافظه سیاسی اروپا زنده است؛ جنگی که نه‌تنها وعده‌های اولیه آن محقق نشد، بلکه به موجی از ناامنی، فشار مهاجرتی، بی‌ثباتی انرژی و هزینه‌های سنگین اقتصادی برای اروپا انجامید. به همین علت، دولت اسپانیا مشارکت در هرگونه عملیات نظامی در تنگه هرمز را رد کرده و آن را در چارچوب جنگی غیرقانونی ارزیابی کرده است. هم‌زمان، فرانسه نیز تصریح کرده که پیمان آتلانتیک شمالی برای عملیات تهاجمی در هرمز طراحی نشده و رئیس‌جمهور این کشور بر چارچوب حقوقی و دیپلماتیک، نه راه‌حل نظامی، تأکید کرده است.

این رفتار اروپا را باید در چارچوب سه ملاحظه اصلی اقتصادی و راهبردی فهم کرد. نخست، آسیب‌پذیری اروپا در برابر شوک انرژی. تنگه هرمز یک شاهراه عادی نیست؛ هر اختلال در آن فورا بر قیمت نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل دریایی و بازارهای مالی اثر می‌گذارد. خود مقامات اروپایی و گزارش‌های بین‌المللی تصریح کرده‌اند که جنگ جاری قیمت انرژی را بالا برده و منافع اروپا را مستقیم هدف قرار داده است. برای اروپایی که هنوز آثار تورمی بحران‌های اخیر را به‌طور کامل مهار نکرده، ورود به جنگی که خود به تشدید همین شوک‌ها دامن می‌زند، از نظر اقتصادی غیرعقلانی است. دوم، نگرانی از اختلال در زنجیره تأمین و تجارت. اروپا حتی اگر در ظاهر با زبان امنیتی سخن بگوید، در عمق تصمیم‌سازی خود نگران بهای تمام‌شده کالا، تأخیر در حمل، افزایش نرخ بیمه، نااطمینانی در بازارها و فشار بر صنایع خود است. وقتی شورای وزیران خارجه اتحادیه اروپا بازگشت جریان انرژی، غذا و حمل‌ونقل از هرمز را اولویت فوری می‌خواند، در واقع از منطق تجارت و تولید حرف می‌زند، نه صرفا از یک موضع دیپلماتیک. از این منظر، مخالفت با گسترش جنگ، برای اروپا یک انتخاب اخلاقی صرف نیست؛ یک ضرورت اقتصادی است.

سوم، گرایش فزاینده اروپا به استقلال نسبی در تصمیم‌گیری راهبردی. در سال‌های اخیر، اختلاف اروپا با آمریکا بر سر هزینه‌های امنیتی، تعرفه‌ها، جنگ اوکراین و آینده روابط فراآتلانتیکی تشدید شده است. در ماجرای جنگ علیه ایران نیز بخشی از اروپا آشکارا نشان داده که حاضر نیست هر بحران طراحی‌شده در واشنگتن را به هزینه مردم و اقتصاد خود بپذیرد. گزارش‌های معتبر نشان می‌دهد آلمان، اسپانیا و ایتالیا دست‌کم در مقطع فعلی از مشارکت در مأموریت نظامی در خلیج فارس فاصله گرفته‌اند و حتی در درون اروپا نیز اجماع روشنی برای ورود به عملیات تهاجمی وجود ندارد.

با این همه، تحلیل دقیق و حرفه‌ای ایجاب می‌کند که یک واقعیت مهم نادیده گرفته نشود: فاصله‌گذاری اروپا از آمریکا، به معنای همسویی اروپا با ایران نیست.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت

تناقض پیش‌روی درخواست برای مداخله بشردوستانه

احسان هوشمند

حدود ۴۰ روز از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران می‌گذرد و جنگ همچنان با شدت شعله‌ور است و افزون بر مراکز نظامی، مراکز غیرنظامی و زیرساخت‌های ایران نیز هدف حملات ارتش کشورهای مهاجم قرار گرفته است. در این دوره از حملات مدارس، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و حتی امدادگران و مراکز امدادی هلال احمر، شمار زیادی از آثار و ابنیه تاریخی و میراث تمدنی و فرهنگی ایرانی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و مطالعاتی، پل و تونل و اسکله، شرکت‌های پتروشیمی و کارخانجات فولاد و مراکز صنعتی و خدماتی و حتی منازل مسکونی زیادی هدف قرار گرفته شده و شمار زیادی از کودکان و زنان و پیران و دیگر شهروندان غیرنظامی کشته یا زخمی شده‌اند. در میناب ده‌ها نفر از دختران و پسران دانش‌آموز شهید شدند. حملات به ورزشگاه لامرد نیز نمونه دیگری از این حملات بی‌رحمانه بود که تلفات زیادی در میان غیرنظامیان بر جای گذاشت. بی‌آنکه از ریشه‌ها و زمینه‌های پیشین و علل و دلایل بروز جنگ غافل شویم و نقادی سیاست‌های کشور در دوره‌های پیشین به کناری گذاشته شود که این قلم پیش‌ازاین به آن پرداخته است و همچنان باید به آن پرداخت، این مهم کتمان‌کردنی نیست که در دوره ۱۰ ماه گذشته ایران دو بار از طرف آمریکا و اسرائیل مورد هجوم قرار گرفت و این آمریکا و اسرائیل بودند که به ایران حمله‌ور شدند و ایران را مورد تجاوز قرار دادند. در این حملات تنها مراکز نظامی هدف قرار نگرفت و مراکز غیرنظامی زیادی نیز مورد حمله قرار گرفته و چند هزار غیرنظامی ایرانی مظلومانه شهید و زخمی شدند و افزون بر فهرست مراکز غیرنظامی که هدف قرار گرفتند، مانند بیمارستان‌ها و مدارس، بخشی از زیرساخت‌های اقتصادی کشور نیز از این حملات مصون نماند و در نتیجه جنگ تنها مراکز نظامی را هدف قرار نداد (که البته این موضوع نیز غیرقابل قبول است) بلکه مراکز غیرنظامی با تلفات بسیار بالایی مورد یورش دولت‌های متجاوز آمریکا و اسرائیل قرار گرفتند و شمار زیادی از ایرانیان کشته و زخمی و آواره و دچار درد و رنج شده‌اند. در ماه‌های گذشته به‌ویژه پس از حوادث ناگوار و غم‌انگیز دی‌ماه ۱۴۰۴ گروهی از فعالان سیاسی اپوزیسیون ازجمله شماری از فعالان حقوق‌بشری با کمترین احتیاط و ملاحظه و شرط و شروطی و بدون لکنت زبان دوباره مداخله بشردوستانه نظامی خارجی را برای عبور از شرایط سیاسی کنونی کشور مطرح کردند و دسته‌هایی از اپوزیسیون نیز از آغاز حملات و استمرار جنگ استقبال کردند. این دسته از نیروهای سیاسی به دور از هر نوع ملی‌اندیشی و در نظر گرفتن مصالح ملی و نیز بدون واقع‌بینی سیاسی و مسئولیت‌پذیری انسانی و اخلاقی احتمالا تصور کرده بودند که جنگ روزهای زیادی طول نمی‌کشد و تنها مقامات کشور هدف قرار می‌گیرند، سیستم سیاسی به‌سرعت به فروپاشی می‌رسد و مداخله بشردوستانه موجب می‌شود نیروی اپوزیسیون به همین سادگی به قدرت برسد.

این دسته از نیروهای اپوزیسیون بدون آنکه تأمل کرده باشند که نیروی خارجی مداخله بشردوستانه! نه برای پیشبرد پروژه‌ای حقوق‌بشری یا اهداف آنان بلکه بی‌هیچ حد و مرزی به‌دنبال منافع و ملاحظات سیاسی و امنیتی و ژئواستراتژیک خود دست به جنگ خواهد زد و دخالت خارجی خود را نه بر مبنای اهداف و برنامه‌های اپوزیسیون ایرانی، بلکه بر مبنای اهداف ژئوپلیتیک و استراتژیک و منافع خود تنظیم و عملیاتی می‌کند؛ یعنی کشورهای درگیر در عملیات مداخله به‌اصطلاح بشردوستانه که البته سابقه‌ای طولانی از نقض حقوق شهروندان غیرنظامی در جهان دارند، به گونه‌ای عملیات نظامی را طراحی و اجرا می‌کنند که حداکثر منافع و مصالح دولت‌هایشان تأمین شود، نه اینکه به‌عنوان کارگزار اپوزیسیون ایرانی عمل کنند، حتی بالعکس این کشورها از اپوزیسیون ایرانی انتظار دارند که نقش کارگزار و شاید سرباز پیاده آنان را بر عهده بگیرند!

بر مبنای توضیحات بالا، این توضیح ضروری است که آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران را نمی‌توان به درخواست اپوزیسیون برای حملات نظامی بشردوستانه تقلیل داد، بلکه ملاحظات و منافع و اهدافی فراتر از نظر این یا آن گروه از اپوزیسیون ایرانی به طراحی و آغاز جنگ از طرف آمریکا و نتانیاهو منجر شده است، اما مواضع این دست از اپوزیسیون جدای از اثرات سیاسی و تبلیغی و توجیهی برای کشورهای حمله‌کننده، نه به دلیل اثرات عینی و واقعی آن در آغاز و استمرار جنگ بلکه در مسئولیت‌ناپذیری این دست از نیروهای سیاسی که با بی‌اعتنایی به امر ملی و منافع ملی و تنها با خوش‌خیالی مبتنی بر تغییر رژیم درخواست مداخلات بشردوستانه را طرح کردند، باید نقادی و ارزیابی شود. درک ساده این دسته از اپوزیسیون از ماهیت قدرت در دنیای جدید و اساس سیاست در میان کشورهای قدرتمند جهان نشانی از غلتیدن سیاست‌بازی‌های کودکانه در دست شماری از اپوزیسیون کم‌دانش و کوچک است!

ادامه در صفحه ۳

برگزیده‌ها

«شرق» حملات هوایی به صنایع مادر و تأثیر آن بر بورس کشور را بررسی می‌کند

جنگ علیه سرمایه

۳

جهش قیمتی، توقف واردات و نگرانی از تغییر مسیرهای تأمین در بازار کامپیوتر و موبایل

بازار در شوک بی‌مسیری

فعالان صنفی به «شرق» می‌گویند، کشورهایی به‌عنوان گزینه‌های جایگزین برای واردات از امارات در حال بررسی هستند

۶

لبنانی‌ها زیر آتش اسرائیل آواره می‌شوند

تخریب شریان‌های زندگی

۴

میان تعویق و تأکید بر برگزاری انتخابات در تقاطع تصمیم

انتخابات شوراها در سایه تردید و تأکید

۷

اشک برای امروز و نگرانی برای فردا

۸

یادداشت

چرا بذر کینه می‌پاشید؟

محمدتقی فاضل میبدی

در این روزگار پرمخاطره و حمله‌های همواره دشمن وحشی، باورم نمی‌شد مداحی به میدان آید، به‌جای ایجاد وحدت و همدلی میان آحاد ملت، بذر کینه بپاشد و صاحب فکر و میهن‌دوستی را مورد کژخلقی قرار دهد. روزگار غریبی است! سیاست‌مدار کارکشته‌ای مانند دکتر ظریف برای نجات کشور از تخاصمات و تجاوزات آمریکا و صهیونیسم نظری کارشناسانه و دردمندانه ارائه می‌دهد، مداحی از مدار کار خود خارج می‌شود و بنای تهدید و ناسزاگویی را می‌گذارد.

چرا باید چنین شود؟ همان‌طورکه جاسوسان و عاملان دشمن در داخل کشور مورد پیگرد قضائی قرار می‌گیرند، کسانی که به افراد کاردان، خبیر و دلسوز کشور هتاکی می‌کنند نیز باید مورد پیگرد قرار گیرند.

سیاست خارجی ما برای مواجهه با متجاوزان بی‌رحم باید از افرادی همچون دکتر ظریف و امثال او بهره بگیرد. خارج‌کردن افرادی همچون ظریف از دستگاه دیپلماسی کشور، چه سودی برای کشور دارد؟ برخی شاید از روی نادانی این شیوه‌های نادرست را حمایت کردند.

کار یک مداح در حسینه‌ها احیای شعایر مذهبی است، اگر درست بداند؛ اما در میدان سیاست باید افرادی کاربلد و باتجربه در امور سیاسی مانند امثال دکتر ظریف نظر دهند و حضور داشته باشند. ترور مرحوم دکتر لاریجانی و دکتر کمال خرازی (خدایش عافیت دهد) خسران بزرگی برای کشور بود. دوستان داخل مواظب باشند امثال ظریف‌ها، روحانی‌ها، خاتمی‌ها، ناطق‌نوری‌ها و... را با دست خود نزنند. در این روزگار باید سرمایه‌های ملی را حفظ کرد. نبود امثال نام‌بردگان در عرصه سیاسی کشور خسرانی بزرگ و از خواسته‌های رژیم صهیونیستی است. چرا باید یک مداح در روزگار جنگ فرد کاردانی همچون ظریف را مورد هتاکی قرار دهد؟! چه جرمی از این بالاتر. با این کار چه کسی را خوشحال می‌کنید؟ نتانیاهو!